

نقد و ارزیابی کتاب نظارت مالی در قرن بیست و یکم

فتح الله تاری*

چکیده

بحران مالی قرن بیست و یکم سبب شد تا از جنبه‌های مختلف به علل و عواقب آن و هم‌چنین راهکارهای لازم برای پیش‌بینی چنین بحران‌هایی در آینده پرداخته شود. بخشی از کتب و مقالات به وظایف دستگاه‌های نظارتی در این زمینه پرداختند و نقدهایی بر شیوه نظارت و قوانین نظارتی و وظایف ناظران ارائه کردند. کتاب نظارت مالی در قرن بیست و یکم یکی از این نمونه نوشته است و فصول آن بر اساس مجموعه‌ای از مقالات توسط نویسندگان مختلف برای تبیین علل و نقاط ضعف نظارت مالی، عمدتاً در کشورهای اروپایی و به خصوص هلند گردآوری و با پشتیبانی وزارت امور اقتصادی و دارایی ترجمه شده است. هرچند که در یک جمع‌بندی کلی می‌تواند انتشار و انجام چنین فعالیت‌هایی شناختی از وضعیت نظارتی در کشورهای دنیا داشته باشد، اما نحوه تبیین و هم ترجمه آن، دچار کاستی‌هایی است که نقد حاضر هم به لحاظ محتوایی و هم ترجمه به این موضوع می‌پردازد. عمده مقالات مربوط به حوزه کشورهای اروپایی و بخصوص حوزه اسکانداویا است. نقش مقالات مرتبط با کشور هلند در این میان پررنگ‌تر است. با توجه به اینکه بحران‌های مالی جهانی نقشی اثرگذار بر همه کشورهای جهان هستند شناخت نقش ناظران در پیش‌گیری از بحران‌های مالی در کشورهای مختلف اهمیت زیادی دارد و این موضوع در کشور ما نیز که در بسیاری از موارد مشکلات را به دلیل ضعف نهادهای نظارتی مرتبط دانسته‌اند، اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. معرفی اثر و ویژگی‌های آن در بخش‌های دوم و سوم صورت می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: بحران مالی - نظارت احتیاطی خرد و کلان - قوانین نظارتی

۱. معرفی و توصیف اثر

مشخصات شناسنامه‌ای: کتاب نظارت مالی در قرن بیست و یکم که چاپ اول آن در زمستان ۱۳۹۷ انجام گرفته است، ترجمه‌ای از مجموعه مقالاتی است که توسط: ای. جیوان کلرمن، یاکوب دی هان، فمکه دی وریس ویراستاری شده و در معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی توسط آقای اصلان قودجانی ترجمه شده است. ناظر علمی این ترجمه، آقای دکتر انوشیروان تقی پور هستند. این اثر توسط آقای محمد حسنی و خانم زهرا صدیقی ویراستاری ادبی شده و توسط انتشارات پیک نور به چاپ رسیده است. درجایی از کتاب معرفی نام کتاب به زبان لاتین مشاهده نمی‌شود و در جستجوی اینترنتی معلوم می‌شود که چاپ آن در زبان انگلیسی بوده و نام کتاب "**Financial Supervision in the 21st Century**" است. ناشر کتاب در زبان اصلی، اسپرینگر است که در ۲۰۱۳ چاپ شده است.

کتاب در شروع خود، پس از فهرست، دارای سه بخش، سخن آغازین، مقدمه و پیشگفتار است که تعدد مقدمه‌ها موجب شده تا عناوینی متفاوت در هر جا که به نوعی کتاب به آن‌ها مربوط می‌شود برای شروع کتاب اضافه شود.

معاون وقت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی دارایی که این کتاب در آن معاونت ترجمه شده "سخن آغازین" را به بیان ارتباط بخش مالی با قوت و ضعف اقتصاد کشورها، بحران مالی شرق آسیا، و تقویت قوانین نظارتی در کشورهای پیشرفته، پس از بحران پرداخته و مطالعه تحول نظارت مالی چند کشور را برای مسولان مالی و نظارتی ایران نوعی یادآوری مناسب ذکر کرده است تا به تقویت نظام حقوقی و اجرایی اقدام نمایند.

پس از آن، مقدمه است. مطابق توضیحی که در مقدمه به قلم "مالکول کی. سپرو" استاد مدیریت عمومی در مدرسه هاروارد کندی آمده است، فصول کتاب به موارد زیر می‌پردازد:

فصول این کتاب با تمرکز بر تجربه نظارتی و نه قوانین نظارتی به بررسی پرسش‌های مهم معاصر برای متخصصان این حوزه اختصاص دارد: نظارت بر کیفیت چیست؟ رابطه بین ضمانت اجرای مقررات و مدیریت مخاطرات چیست؟ بر چه اساس می‌توان تصمیم گرفت که رویکرد مبتنی بر قواعد انتخاب شود یا رویکرد مبتنی بر اصول یا رویکرد خود نظارتی؟ آیا

نقد و ارزیابی کتاب نظارت مالی در قرن بیست و یکم ۱۱

ناظران می‌توانند به مخاطرات مرتبط با کل نظام مالی رسیدگی کنند؟ اگر چنین است چه رابطه‌ای میان آن وظیفه و وظیفه آشنا‌تر، یعنی مدیریت مخاطرات ویژه هر بنگاه وجود دارد؟ عملکرد نظارتی را در غیاب هرگونه بحران در سال‌های اخیر چگونه می‌توان سنجید؟ نظارت را در آستانه بحران چگونه باید سنجید؟ آیا قادریم ناکامی‌های نظارتی را با نگاه به گذشته شرح دهیم یا علاوه بر آن قادر هستیم که با نگرش به آینده، بهترین تجربه‌های عملی را نیز مشخص سازیم؟

در ادامه متذکر شده است که اکثر این پرسش‌ها، حتی پیش از بروز بحران مالی جهانی طرح می‌شدند و علت تهیه این کتاب لرزه‌ای است که بحران مالی جهانی برای نظارت مالی پدید آورد و ایجاد تغییرات را اضطراری‌تر کرد، نقص رویکردهای متعارف را فاش ساخت. در ادامه مطالب ذکر شده در برخی فصول و بدون رعایت ترتیب شماره آن‌ها بسیار خلاصه بیان کرده است.

۲. ارزیابی شکلی اثر

در مقدمه کتاب تذکر داده نشده که کتاب توسط افراد مختلف و به شکل مجموعه مقاله است و خواننده ابتدا تصور می‌کند که ویراستارانی که نام آن‌ها در ابتدای کتاب آمده است همان نویسندگان هستند.

بعد از مقدمه، در پیشگفتار کتاب، ویراستاران آن یعنی ای. جیوان کلرمن، یاکوب دی هان، فمکه دی وریس نکاتی را برای معرفی رویکرد کتاب مطرح کرده‌اند که به‌اختصار می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

بحران مالی ناظران مربوطه را ترغیب کرد تا نگاه نقادانه به عملکرد خود داشته باشند و روش‌های ناظران دستخوش تغییرات بنیادی شده است. لازم بود نظارت‌ها پیش‌نگرانه‌تر شود. بحران معلوم کرد نهادهای مالی با کل نظام اقتصادی در هم‌تنیده‌اند و باید در نظارت‌ها چشم‌انداز کلان‌تری در نظر گرفت. دستیابی به معنای دقیق نظارت که اغلب به‌مثابه هنر یا فن محسوب می‌شود، آسان نیست. تجربیات فراوان وجود دارد که تبادل دانش با سایر کشورها را به‌منظور یافتن بهترین اقدامات ضروری می‌سازد.

به نظر می‌رسد در این پیشگفتار تلاش شده تا علت انتخاب مقالات از کشورهای مختلف (البته عمدتاً اروپایی و حوزه اسکاندیناوی) را برای خوانندگان توجیه نمایند؛ اما اینکه بر چه اساسی کشورهای اروپایی محور قرار گرفته‌اند و در میان کشورهای آسیایی و اقیانوسیه، دو

مقاله از دو کشور سنگاپور و استرالیا اختیار شده است توضیحی نمی‌دهد. درحالی‌که کشورهایمانند چین و کره جنوبی و ژاپن و هندوستان و... وجود داشتند که در ارتباط با تحولات جهانی و مبادلات نقش پررنگ‌تر داشته کشورهای مهم‌تری محسوب می‌شوند. به‌علاوه اینکه در همان کشورهای منتخب نیز مقالات می‌تواند با دیدگاه‌هایی متفاوت از دیدگاه این نویسندگان تدوین شده باشد. لازم بود که ویراستاران در قسمت اول توضیح می‌دادند که چه ملاک‌هایی برای انتخاب مقالات داشته‌اند که گزینش مقالات سلیقه‌ای محسوب نشود.

در جای دیگر بیان شده که رویکرد کتاب بر اساس تجربه نظارتی است نه قوانین نظارتی. دلایلی که برای این موضوع عنوان شده عبارت‌اند از اینکه، اغلب مخاطرات ربطی به قانون ندارند و همانند عوامل مختلفی که در تصادفات نقش دارند، بی‌ثباتی در بازارهای مالی نیز می‌تواند ناشی از طیفی عوامل باشد و مخاطرات پیش‌بینی نشده باشد. دوم اینکه اصرار صرف بر نص قانون موجب غفلت از اثراتی که ناظران حرفه‌ای می‌توانند پدیدآورند می‌گردد. میزان تسلط و قالب‌های انتخابی آن‌ها و انتخاب‌هایی که در رابطه با مخاطرات انجام می‌دهند و ... همه در بحران‌ها اثرگذار هستند.

در این مورد نیز نقدی که بر اثر وارد است به تأثیر نوع قوانین در ایفای وظایف نظارتی است که نگاه جداگانه به نقش ناظران، بدون توجه به چارچوب نظارتی که در آن حیطه فعالیت می‌کنند، نگاهی کامل نخواهد بود و نمی‌تواند چالش‌های نظارتی را به‌درستی نشان دهد. ارجاع دهی در متن نسبتاً خوب است و عمدتاً به دلیل آن است که در متن لاتین ارجاعات ذکر شده است و در متن ترجمه نیز ذکر شده است.

در پیشگفتار کتاب اصلی، فهرستی از معادل‌هایی که به‌صورت اختصاری در سراسر متن کتاب به‌کاررفته، بیان شده است. مترجم نیز همین رویه را اتخاذ نموده است.

اما از حیث ویرایش ادبی مشکلاتی به چشم می‌خورد و این مشکلی است که در ترجمه متون ترجمه معمولاً به‌هنگام پیدا کردن معادل‌های فارسی به وجود می‌آید و ویراستاران می‌توانند به کمک مترجم آمده و متن را برای خواننده قابل هم‌تر کنند. مثلاً درجایی از متن آمده: "ارزش این مجموعه فصول عبارت است از: "تشریک مزایای آشوب‌خیز در نظارت مالی و یادگیری شتابان"

نقد و ارزیابی کتاب نظارت مالی در قرن بیست و یکم ۱۳

عبارات "تشریک مزایا آشوب اخیر" و "یادگیری شتابان" موجب شده تا مفهوم انتقال نیابد. شاید اشکال تاپی هم باشد. شاید به جای تشریح، تشریک چاپ شده باشد و یا در عبارت یادگیری شتابان، اگر منظور "یادگیری سریع" است، جایگزین مرسوم‌تری به جای یادگیری شتابان محسوب می‌شود. یا در موارد دیگر آمده است: "پاسخ آشکارا بله بود" ص ۱۳. جمله زیر را به عنوان مثال می‌توان شاهد آورد: "راهبرد متمرکز بر بسط تهاجمی در بازارهای خارجی، پیامدهای چشم‌گیری برای الگوی کسب‌وکار آتی یک بنگاه دارد." (ص ۵۷) ابهام در تعاریف نیز دیده می‌شود. به عنوان مثال آمده است "میزان اتکا به وام به شدت باعث کاهش، قصور شده‌اند".

اگر منظور از قصور، عدم پرداخت از طرف وام‌گیرندگان است، واژه نکول، جایگزین مناسب‌تری است.

در قسمت دیگری آمده است: "انواع مخاطره را نمی‌توان با قانون‌گذاری بهتر و بیشتر تخفیف داد" که کلمه کاهش بهتر می‌تواند مفهوم را برساند تا کلمه تخفیف.

از آنجاکه کتاب ترکیبی از مقالات افراد مختلف است، شاید متفاوت بودن قلم نویسندگان اصلی موجب شده باشد که ترجمه نیز در فصول مختلف از روانی مختلف برخوردار شده باشد. در معرفی فصول کتاب نیز همان ترتیب رعایت نشده است.

۳. ارزیابی محتوایی اثر

کتاب را نمی‌توان به عنوان یک متن آموزشی تلقی کرد؛ و ترجمه‌ای بودن و ترکیبی بودن از مقالات مختلف نیز امکان تناسب با سرفصل‌های مصوب رشته‌های مختلف را کم می‌کند. تنها در سطوح آموزش عالی و آن‌هم به ازای اینکه مدرس مربوطه بخواهد در مباحث مالی به عنوان ارائه اطلاعات جنبی به دانشجویان معرفی کند می‌توان به عنوان کتاب کمک‌درسی از آن استفاده کرد.

با توجه به مجموع مقدمه و پیشگفتار ذکر شده، مسئله و دغدغه کتاب بیان مشکلاتی است که موجب افزایش بحران مالی شد و راه‌هایی است که در پیش روی نهادهای نظارتی وجود دارد. ندر این رابطه کتاب می‌گوید: "مخاطراتی که در مقابل بنگاه‌ها هستند در اندازه‌های مختلف ظاهر می‌شوند و قابل تقسیم بندی است. برخی مخاطرات ناشی از عدم رعایت قانون هستند اما مخاطرات به عوامل دیگری مانند اندازه سرمایه‌گذاری، روش‌های بازاریابی و

بی‌ثباتی‌های دیگر نیز ربط دارد. بیان این طیف وسیع از چشم‌اندازهای تحلیلی می‌تواند احتمال شناسایی و رصد ناهنجاری را توسط نهاد نظارتی افزایش دهد."

در جای دیگر برای بیان آنچه مدنظر پدیدآورندگان بوده است، چنین ذکر شده است: "ناظران در گذشته بر شاخص‌های مخاطره مالی مانند توانایی پرداخت دیون، نسبت‌های نقدینگی تمرکز می‌کردند که رویکرد پس‌نگرانه بود که بر اساس گزارش‌های عملکرد مالی گذشته صورت می‌گرفت. بحران مالی نشان داد که نظارت‌ها باید پیش‌نگرتر شود. لازمه آن وجود چشم‌انداز کلان‌تر و دور‌نمایی فراتر از نهادهای منفرد است."

از بعد کاربردی، شاید با این اثر علمی، کارشناسان بخش‌های نظارتی بتوانند با تکیه بر شناخت اتفاقاتی که در پی بحران در برخی کشورهای دیگر رخ داده است رهنمودهایی برای بخش‌های نظارتی خود بیابند؛ اما وجود اختلافات ساختاری در نوع حاکمیت نهادهای نظارتی و حکمرانی نهادها باعث می‌شود که تفاوت‌های زیادی میان روش‌های نظارتی در کشورهای مختلف وجود داشته باشد. در واقع کتباً با ارزش‌های اسلامی و ایرانی هماهنگی ندارد. اما به‌عنوان یک کار تخصصی و با توجه به اینکه در نظام بانکی الزامات بین‌المللی معمولاً در پیش چشم قرار می‌گیرد، تطابق با ارزش‌های اسلامی تا وقتی با الزامات اسلامی مغایرت نداشته باشد، مدنظر قرار نمی‌گیرد.

در رابطه با نظم و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب موارد زیر قابل ذکر است:

در معرفی فصول کتاب در پیشگفتار، ترتیب رعایت نشده است.

در متن ترجمه، نمودارها و جداول بر اساس شماره‌گذاری هر فصل انجام گرفته که ردیابی را آسان‌تر می‌کند.

تخصصی بودن متن اصلی کتاب و مشکلات معادل‌یابی درست در ترجمه متون تخصصی امری است که امکان ترجمه کامل به‌نحوی که بتوان منظور نویسنده اصلی را منتقل ساخت را سخت می‌کند.

ولی مترجم می‌توانست تا حدودی از ساده‌سازی ترجمه استفاده کند تا کتاب بتواند برای ذینفعان مربوطه که عمدتاً یا کارشناسان و یا دانشجویان می‌توانند باشند قابل فهم‌تر شود و نکات کلیدی آن نیز رهنمودی برای کارهای اجرایی و تحقیقاتی باشد.

به عنوان نمونه در مقدمه آمده است " ولی درس های دهه ۱۹۸۰ نتوانست به قانون گذاران کمک کند که به پیش بینی یا پیشگیری از وام های رهنی کمتر از بهینه پردازند یا پیامدهای بی ثبات کننده ناشی از CDS را درک کنند. درس های دهه ۱۹۸۰ نتوانست به قانون گذاران کمک کند که به پیش بینی یا پیشگیری از وام های رهنی کمتر از بهینه پردازند" مشخص نیست " کمتر از بهینه " به چه معنی است.

یا در جای دیگر آمده است: " مردم انتظار دارند که نهادهای حکومتی بهترین حفاظت ها را با کمترین قیمت فراهم سازند.

شاید بهتر بود مترجم در هر جا که ابهامی در انتقال مفهوم به هنگام ترجمه مشاهده می کرد، در متن یا پانویس توضیحی اضافه می کرد.

حتی معرفی کتاب نیز بسیار گنگ است و چارچوب کتاب، روشن نیست. گذشته از اینکه خود کتاب نیز در مقدمه نوعی درهم ریختگی در معرفی فصول به شکل بیان نامرتب فصول پرداخته است. مشکل نامفهوم بودن در فصول اولیه بیشتر است و در فصول بعدی کمتر می شود. البته نقش ناظر ترجمه و ... نیز در این موضوع می توانست راهگشا باشد.

با این وجود که تاریخ چاپ کتاب مربوط به سال ۲۰۱۳ میلادی است ولی داده ها و منابع مورد استفاده در متن اصلی کتاب را از دید تحلیل گذشته می توان روزآمد دانست. اما از سوی دیگر با توجه به اینکه حدود ۷ سال از انتشار آن می گذرد و اینکه بحران مربوط به سال ۲۰۰۸ بوده است، روزآمد تلقی نمی شود.

از آنجاکه فصول کتاب توسط نویسندگان مختلف و به شیوه های متفاوت تدوین شده است، نقد محتوایی هر فصل نیز به اختصار بر اساس معرفی اجمالی آن ارائه می شود. برخی دیگر از نکاتی که به عنوان نقد در بررسی فصول کتاب می توان ذکر کرد به شرح زیر است:

فصل ۱

- کلرمن به همراه همکارش، ابتدا نوعی کلی گویی و بیان اخباری از اینکه قبل از بحران، نکول پدیده ای بسیار نادر بود و تمام شرکت های بخش مالی سودآور بودند اعتماد بالایی نسبت به این شرکت ها وجود داشت مطرح می کند. فضای مقاله به اقتصاد هلند و تحولات بانک مرکزی و ادغام آن با مجموعه نظارت بر صندوق های بیمه و بازنشستگی مربوط می شود که پس از بحران مجبور با بازنگری در رویکرد نظارتی خود شد. مراحل مربوطه در این کشور بیان شده است.

- هر چند بیان تاریخی تجربه کشورها ممکن است آشنایی برای مخاطب نسبت به تحولات در کشورهای دیگر ایجاد کند، اما به دلیل تفاوت ساختاری بانک‌های مرکزی در کشورها، الزاماً دستاورد اجرایی از این بخش برای اقتصاد کشور ما فراهم نمی‌کند.

- اصطلاحاتی که به کار برده شده است، به گونه‌ای است که مخاطبان محدودی ممکن است فضای همین اقتصاد را درک کنند. به عنوان مثال چنین ذکر شده است "خراب فروشی، ایجاد امتیازهای فراوان برای دلالت و مدیران، افتضاح LIBOR صندوق‌های سرمایه‌گذاری هرمی ... موجب توجه روزافزون به بهبود نظارت در سراسر جهان شده است." "در حالی که نه مشخص است چه امتیازاتی مورد نظر است و نه کدام افتضاح و به چه شکل.

- دستورالعملی که از صندوق بین‌المللی پول نقل شده است، کلی‌گویی است و گاهی بیان بدیهیات است. به عنوان نمونه، آمده است: "ناظران باید به‌طور دائم مراقب تحولات و مخاطرات پیش رو باشند که علاوه بر تک‌تک مؤسسات تحت نظارت، کل نظام مالی را نیز تهدید می‌کنند."

فصل ۲

- فصل ۲ با عنوان مدیریت کیفیت نظارت مالی به قلم یان سیجبرند و دیوید رایزبرگن^۱ آمده است که قانون‌گذاری برای بهبود نظارت کفایت نمی‌کند و باید برنامه‌های حل و فصل بانکی نیز داشت. سپس شیوه‌هایی که ناظران مالی برای بهبود، حفظ و سنجش کیفیت نظارت خود به کار می‌برند و لزوم پیوند زدن تحلیل احتیاطی کلان با نظارت احتیاطی خرد را مطرح کرده است.

- در این بخش مواردی مطرح شده است که در اتحادیه اروپا معنی‌دار است و مثلاً ساختار نظارت مالی اروپایی که از سه دستگاه نظارتی اروپایی و نظارت بیمه‌ای و نظارت بر بازار اوراق بهادار تشکیل می‌شود را بیان کرده است. اما همانند فصل ۱ به کلی‌گویی‌ها در امر نظارت پرداخته شده است. نمونه‌ای از این موضوع عبارتهای زیر است: "رویکرد نظارت باید پرسشگرتر، مداخله‌گرایانه‌تر و جامع‌تر باشد." یا اینکه "ناظران ناچارند هوشیار بوده و در صورت لزوم باصلابت واکنش نشان دهند."

^۱ - Jan Sijbrand and David Rijsbergen

آیا پیش از این هوشیار نبوده‌اند یا باصلاحت پاسخ نمی‌دادند و اگر این چنین است مصادیق آن‌ها کجاست؟

فصل ۳

- این فصل به قلم مارتین اندرسون، اولدیس سرپس و مارتین نوریوس^۲ نوشته شده است و همان‌طور که از عنوان برمی‌آید در مورد همسایه هلند، یعنی سوئد است. عباراتی که در متن دیده می‌شود، نارسایی در بیان مطلب را می‌رساند. به‌عنوان مثال آمده است: "صنعت مالی این کشور عواملی مانند آزاداندیش بودن و قانون‌گذاری با تأثیر ملایم را مطرح کردند... ورشکستگی دسته‌جمعی بانک‌های بزرگ در آن بحران را نیز فقط نمی‌توان به ناقص بودن حداقل سرمایه بین‌المللی ... نسبت داد". منظور از حداقل سرمایه بین‌المللی مبهم است.

فصل ۴

- با عنوان پیامدهای ناخواسته نظارت به قلم دنیلی نوی^۳ به موضوع واگذاری اختیارات جدید به ناظران در فرانسه پرداخته است و اینکه آیا اعطای اختیارات به ناظران افراطی نشده است؟ در مقاله دو ویژگی برای الگوی بانکداری فرانسوی ذکر شده است. یکی اینکه الگوی همه بانک‌ها یکسان است، درحالی‌که متنوع سازی منابع درآمدی و مخاطرات، یک نقطه قوت در بانکداری است. دوم اینکه حساب‌های پس‌انداز که از مالیات معاف است با شبکه‌های بانکداری جمع‌آوری می‌شود و بخش اعظم آن در "صندوق سپرده‌ها"^۴ متمرکز می‌شود. بخش بزرگی از آن، در ساخت و نوسازی مسکن اجتماعی استفاده شده است که وام‌های بلندمدت با نرخ جذاب ارائه می‌کند. از این رو تفاوت ساختاری بین‌المللی در ساختار مالی بانک‌ها وجود دارد. به نظر می‌رسد می‌توانست این تفاوت ساختار را ارزیابی کند که چه مزایا و معایبی در این الگوی متفاوت از ساختار بین‌المللی می‌توان یافت که در نقش نظارتی اثرگذار باشد. اما از این موضوع غفلت شده است.

-در مقاله به سیاست‌هایی اشاره شده است که قرار است از اول ژانویه ۲۰۱۵ در جهت اجرای الزامات نقدینگی مطابق مقررات بازل ۲ پیاده شود. درحالی‌که زمان انتشار ترجمه (۲۰۱۸) است.

فصل ۵

^۲ -Martin Anderson, Uldis Creps, and Martin Nureus

^۳ - Daniele Nouy

^۴ -Caisse des Depots

- در مورد دستگاه نظارتی در استرالیا است که تا سال ۱۹۹۸ بانک مرکزی استرالیا بود و بعد از این تاریخ با عنوان APRA، علاوه بر بانکها، مؤسسات سپرده پذیر کوچک، شرکت های بیمه و صندوق های بازنشستگی را در برمی گیرد.

- در اینجا نیز عبارات نامفهوم و نامأنوس وجود دارد. مثلاً در این فصل نتیجه می گیرد که "تأکید ناظران پس از بروز بحران مالی جهانی به سوی این موارد جابه جا شده است: افزایش تأکید بر اشتباهی مخاطره و نه صرفاً مهار و فرایند مخاطره". عباراتی این چنین، مفهوم روشنی از منظور نویسنده را نمی رساند.

فصل ۶

- این فصل با عنوان پیشرفت ها در ضمانت اجرای نظارتی توسط ایک یانگ لیم و سوئی لیان تتو ۵ به نقش بخش مستعلات در بازارهای مالی و همکاری مقام پولی سنگاپور با نهادهای مسئول عرضه زمین و ساخت و ساز برای تعدیل خوش بینی در بازار املاک از طریق قوانین احتیاطی در وام دهی بانکها به بخش های مشخص اشاره دارد.

- نوعی ابهام در بیان مسئله و تبیین، مشاهده می شود. مثلاً در این مقاله آمده است: "ناظران باید قادر به پاسخ گویی به پرسشهای مربوط به مناسب بودن الگوها، راهبردها و عواید کسب و کار بوده و در عین حال حق رأی را از مدیران ارشد و هیات های مدیره مؤسسات مالی تحت نظارت سلب نکنند. این موضوع اکنون یکی از رویکردهای جدید است که پس از درسهای آموخته شده از بحران اخیر شکل گرفته است".

- آیا الگوهای کسب و کار با راهبردهای کسب و کار از موضوعاتی است که ناظر مالی باید به پرسشهای آن پاسخ دهد؟ یا اصولاً نظارت چه ربطی به حق رای مدیران ارشد مؤسسات مالی دارد، روشن نیست.

- در نتیجه گیری نیز موضوعی که بدون تحلیل این مقاله نیز از بدیهیات محسوب می شود بیان شده است. چنان که آمده است: "نظارت مالی در نهایت معطوف به، حفظ یک نظام مالی باثبات است که از اعتماد و اطمینان کلیه وابستگان به آن نظام برخوردار باشد. ناظران برای دستیابی به این منظور باید بتوانند مخاطرات ناشی از مؤسسات مالی منفرد را شناسایی و اداره

کرده، از چگونگی اثرگذاری این مخاطرات بر کل نظام مالی آگاه شده و اقدامات ترمیمی مناسب و به موقع ارائه دهند."

فصل ۷

- فصل ۷ با عنوان نظارت در دوره های بسامان و نابسامان: نظر عموم و سازگاری در رویکرد نظارتی، توسط جولین ادامز^۶ آمده است که "به بررسی گستردگی آثار گرایشهای جمعی و انتظارات مردم از ناظران مالی انگلستان، بر تغییرات و شکل ضوابط و اولویتهای نظارت و پیامدهای آن اختصاص دارد." در سال ۱۹۹۷، ۹ دستگاه نظارتی در یک دستگاه تحت عنوان FSA جمع شدند. افتضاحات گسترده خراب فروشیهای مرتبط با صندوقهای بازنشستگی شخصی، بیمه نامه های عمر و پس انداز، اوراق قرضه در آمد مسکن، انگیزه تغییر را تقویت کرد... هدف آن بود که با تشکیل یک ناظر جدید، فرهنگ نظارتی به فرهنگی تغییر یابد که بیشتر با تفحص و مداخله سازگار بوده، کمتر به اعتماد به مؤسسه تحت نظارت، متمرکز باشد. اما در ادامه مقاله آمده است که FSA در سال ۲۰۰۰ و بر اساس قانون بازار خدمات مالی ۷ به عنوان یک دستگاه نیمه قضایی و مستقل از حکومت تاسیس شد. ارتباط بین تاسیس در سال ۱۹۹۷ با سال ۲۰۰۰ در مقاله روشن نیست.

- در مقاله ذکر شده که به این نهاد اختیارات چشم گیری داده شده که به واسطه انتخاب سیاستمداران از طرف مردم، ادعا شده که اختیاراتش مردمی است. تنها ۳۳ درصد مردم می دانستند که این نهاد به عنوان ناظر مالی وجود دارد و ۴۳ درصد هیچ دانشی از وجود نظارت نداشتند. در نظر سنجی دیگری که در هلند انجام شد نشان داد که از هر ۵ نفر فقط یک نفر دو ناظر مستقل و مسئول نظارت بانکی را می شناختند. در این بخش به نظر عموم اشاره شده است.

- عنوان و حتی معرفی فصل با ابهام مواجه است. منظور از نظر عموم چیست؟ آیا عموم مردم است یا کارشناسان. منظور از سازگاری در رویکرد نظارتی چیست؟ سازگاری با چه چیزی؟ یا "آثار گرایشهای جمعی" که در این بخش ذکر شده به چه معنی است؟

- در ترجمه مقاله گاهی به انگلستان و گاهی به بریتانیا یاد شده است در حالی که این دو عنوان یک موضوع را در بر نمی گیرند و با هم تفاوت دارند و معلوم نیست اشتباه از ترجمه است یا نویسنده اصلی.

^۶ -Julian Adams

^۷ -FSMA

فصل ۸

- این فصل با عنوان ارزیابی های هیات مدیره توسط مارگارت گروتھویس، الویس وینگاردز و اشرف خان^۸ در رابطه با وظیفه بانک مرکزی هلند برای نظارت بر ارزیابی های هیات های مدیره تدوین شده است. برخلاف سایر فصول، این فصل بدون نتیجه گیری به پایان می رسد. نامفهوم بودن در این فصل نیز از ابتدا در مقدمه دیده می شود. چنانکه آمده است: "ارزیابی های هیات مدیره بخشی از سازمان دهی شرکت ها هستند." وقتی به زیر نویس مراجعه می شود، آنگاه:

- معادل "corporate governance" را "سازمان دهی شرکتها" ترجمه نموده اند که هم نامانوس است و هم با ترجمه مرسوم که "حکمرانی شرکتی" گفته می شود تفاوت دارد. مضافاً اینکه معلوم نیست منظور از ارزیابی های هیات مدیره، ارزیابی هیات مدیره شرکتها توسط ناظر است یا ارزیابی که خود هیات مدیره شرکتها باید انجام دهند.

- در زیر نویس توضیحی در مورد هیات مدیره دارد که به ابهام متن بیشتر می افزاید. در زیر نویس بیان شده است: "واژه هیات (مدیره) در این فصل به معنای مجموعه های یک رده ای و دو رده ای است."

واژه های نامانوس دیگر نیز در این قسمت به چشم میخورد مانند: "آهنگ امور از بالا"

فصل ۹

- این فصل با عنوان نظارت بیرونی و درونی: چگونه باید عملی شود؟ به قلم کیز کولز و یاپ ویتتر^۹ مدعی است که به موضوع تفاوت وظایف، اهداف، روشها و موضع گیری های دستگاههای مسول نظارت احتیاطی و نظارت درونی موسسات مالی می پردازد و بانک مرکزی هلند را به عنوان مثال این مطالعه در نظر می گیرد. در این فصل عباراتی که تا حدود زیادی فلسفی است دیده می شود که از فضای اصلی سایر فصول دور می شود؛ مثلاً در صفحات ۲۱۹ و ۲۲۰ ترجمه کتاب آمده است: "آنچه ما می بینیم و شاهد هستیم حداقل آنچه از دیده ها و شهود خود برداشت میکنیم، عیناً چیزی نیست که رخ داده باشد. بلکه نسخه ای است که در مغز ما رخ داده است"

^۸ - Margriet Groothuis, Aloys Wijngaards, and Ashraf Khan
Kees Cools and Jaap Winter-

- یا در ادامه آمده است: "امروزه ما در حال یاد گیری واقعیت های بیشتر و بیشتر در باره توهمات، اکتشافات ذهنی و خطاهای مغز خودمان در خلال ایجاد دلالت های شناختی یا بصری، برداشتهای ذهنی مقید خود و عقلانیتی هستیم که تصمیم گیری ما را به دردمر می اندازد".

- جملات نامفهوم در این بخش نیز دیده می شود که ممکن است از نقص ترجمه باشد. مثلاً آمده است: "هرجا که نظارت کارآمد بر عملکرد **SB** در نشست عمومی یا توسط **DNB** بسیار دشوار یا دست نیافتنی باشد، امور در نهایت به شدت به توانایی **SB** در ارزیابی عملکرد خود بستگی خواهد داشت".

فصل ۱۰

- فصل دهم نیز با عنوان نظارت بر **DNB** بر رفتار و فرهنگ به قلم وایناند نویس و یاکوب دی هان ۱۰ به این موضوع می پردازد که ناظران نباید فقط بر توانایی پرداخت دیون و نقدینگی موسسات مالی تاکید کرده و از مخاطرات ناشی از رفتار و فرهنگ موسسات مالی غفلت کنند. بانک مرکزی هلند به منظور درک بهتر رفتار و فرهنگ موسسات مالی و هرگونه مخاطره بالقوه در آن، مرکز تخصصی فرهنگ، تشکیلات و یکپارچگی "۱۱" را ایجاد کرد تا بتواند با استفاده از روانشناسان، در کنار اقتصاد دانان و حسابرسان و کارشناسان حقوقی و اجرای طرح های پژوهشی در مورد بانکها، صندوقهای بازنشستگی و شرکتهای بیمه، الگوهای رفتاری موسسات مالی را تشخیص دهد.

- در بیان مولفه های نظارتی عباراتی دیده می شود که مبین کافی برای شناخت از حیثه موضوع نیستند. مثلاً گشودگی به عنوان یک مولفه آمده است و در توضیح آن بیان شده است که: "درجه وجود نگرش نقادانه سازنده در هر رده از کارکنان مؤسسه مالی و بین رده های مختلف و میزان به بحث گذاشتن تصمیم ها، نظرات دیگر، خطاها و تابوها بر اساس آن نقدها را نشان می دهد". یا در مورد شفافیت آمده است: "ثبت و تبادل نظر در باره گزینه های اهداف و اصول مؤسسه با کلیه سهام داران درونی و بیرونی" که منظور از ثبت در بحث شفافیت روشن نیست و یا آیا منظور از سهم داران همان سهام داران است؟ در اینصورت بیرونی و درونی در مورد سهام داری به چه معنی است؟

- بر خلاف فصول دیگر، در این فصل فهرست منابع آن ارائه نشده است.

فصل ۱۱

- با عنوان نظارت اصل محور چگونه می تواند در نظارت شایسته سهیم باشد؟ توسط فمکه دی وریس ۱۲ تدوین شده و به موضوع نظارت اصل محور می پردازد. هم چنین به شیوه قانون گذاری در هلند که مورد تایید دیوان عالی هلند است می پردازد و تفسیر از طریق صلاحیت قضایی داخلی صورت می گیرد. یعنی دستگاه قضایی در این تفسیر از جایگاهی مهم برخوردار است.

- در تعاریف این بخش هم ابهام وجود دارد؛ مثلاً در تعریف نظارت مبتنی بر اصول عباراتی بیان شده است که خود بر ابهام موضوع می افزاید. چنان که آمده است: "نظارت مبتنی بر اصول به طور کلی با قواعد گشوده همبسته است. هر قاعده در صورتی که محتوایش به صورت تفصیلی در یک قانون رسمی تعریف نشده باشد، گشوده است. مثال خوب از این نوع قاعده، تمهیداتی است که توصیه می کند خط مشی روزانه یک نهاد مالی باید توسط افرادی که مناسب هستند تجویز گردد."

فصل ۱۲

- فصل ۱۲ با عنوان تجربیات الگوی قله های دوقلوی هلندی: درس هایی از اروپا " به قلم مارکو ون هنگل، پل هیلبرتس و درک شونمیکر^{۱۳} نوشته شده و به موضوع ترجیح کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای استقلال در بخش مالی در دوره پیش از بحران مالی و نتیجه متعاقب آن برای داشتن بخش مالی یک پارچه پرداخته است که منجر به شکل گیری سه دستگاه جدید به عنوان مسول نظارتی اروپایی ۱۴ برای وضع قواعد تخصصی الزام آور با هدف همسان سازی نظارت در اتحادیه اروپایی و ایجاد یک مجموعه قواعد واحد و ایجاد نظام ناظران مالی اروپایی ۱۵.

- در این بخش نیز ابهام در عبارت وجود دارد. مثلاً آمده است: "نظارت در قلمرو بانک مرکزی قرار داده شده است، ولی مسولیتی جدا از مسولیت متعارف آن نهاد محسوب می شود." در حالی که نظارت از مسولیت های متعارف بانکهای مرکزی است.

^{۱۲} - Femke de Vries

^{۱۳} - Marco van Hengel, Paul Hilberts, and Dirk Schoenmaker

^{۱۴} - ESMA, EIOPA, EAB

^{۱۵} - ESFS

فصل ۱۳

- این فصل با عنوان همسو سازی نظارت احتیاطی کلان و خرد توسط اردت هوبن^{۱۶} تألیف شده است و به موضوع تزریق منابع مالی توسط حکومت‌های اتحادیه اروپا که نزدیک حمایت های صورت گرفته در آمریکا است اشاره کرده است. وی می گوید که در هلند منجر به ملی شدن یک بانک و ورشکستگی دو بانک کوچک شد. این فصل در باره چگونگی همسوسازی نظارت احتیاطی کلان و خرد و تشریح تفاوت‌های این دو نظارت اختصاص دارد.

- در این فصل نیز عبارات نامفهوم دیده می شود؛ مثلاً آمده است: "الگوهای درونی براساس سریهای زمانی کوتاه مدت و فاقد دوره های تنش، باعث برداشت غلط از امنیت مالی گردید". هم چنین به چالشهایی که راهکار اجرایی نظارت احتیاطی خرد می تواند بوجود آورد، همانند آنچه که رشد موسسات مالی سایه نامیده شد، توجه نشده است.

فصل ۱۴

- فصل ۱۴ با عنوان نظارت: نگاهی به پیش رو برای دهه آتی توسط جولیا دیکسون^{۱۷} به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا بسته ابزارهایی که فعلاً در دسترس ناظران قرار دارد، کافی است تا ایشان را قادر به شناسایی موارد آسیب پذیر کند؟

- این بخش با دیدی بسیار نظارتی تدوین شده و به نقش منفی سخت گیری های شدید بر عملکرد موفق و مبتکرانه و نوآوریها توجه نمی کند. چنانکه نوشته شده است: "اگر نهادهای نظارتی و قانون گذاری ناکام باشند، آن ناکامی ممکن است به عللی مانند احکام ناکافی، اختیارات ناکافی و استقلال ناکافی رخ دهد".

۴. نتیجه گیری

هر چند مشکلات و نقد بیان شده برای این کتاب در جای خود قابل تامل و توجه است اما ارزش متن ترجمه شده را به عنوان یک متن در زمینه تولید دانش می توان مفید دانست. مشکلات ترجمه ای می تواند ناشی از تخصصی بودن متن و مشکل معادل یابی در زبان فارسی باشد موجب شده است تا خواننده نتواند به اسانی پیش برود و سرعت درک مطلب را کم می کند، اما مطالب جمع آوری شده در زمینه نظرات نویسندگان مختلف در جهت بیان

^{۱۶} - Aerd Houben

^{۱۷} - Julie Dickson

وظایف نظارتی می تواند حجم زیادی از اطلاعات را برای کارشناسان مربوطه فراهم کند. هر چند دامنه این اطلاعات برای کارشناسان محدودی قابل استفاده است.

تدوین و تالیف و ترجمه متون در زمینه های تخصصی، کاری است که صرفاً با حمایت نهادهای ذینفع امکان توسعه دارد و حمایت وزارت اموراتصادی و دارایی نیز در این مورد را می توان مناسب دانست.

در برخی موارد مترجم نیز تشخیص داده که ابهام در متن وجود دارد مانند معاملات نهنگ در ص ۳۴۸ و توضیحاتی در زیر نویس بیان کرده است..

مقالات ارائه شده که گزینش ویراستاران است به گونه ای است که نشان می دهد که در بیشتر کشورهای مورد بررسی، نهاد نظارتی واحدی بر بخش مالی نظارت دارد و در مواردی که قبلاً چندین نهاد نظارتی در بازار مالی وجود داشت، تعداد آنها به یک یا دو نهاد نظارتی کاهش پیدا کرد. انتخاب این کتاب توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی برای ترجمه در حالی که کتاب در سال ۲۰۱۳ چاپ شده بود و جدیدترین مآخذ آن مربوط به ۲۰۱۲ است، روشن نیست.

هم چنین با توجه به اینکه در کشور ما نهادهای نظارتی متعدد برای بانک، بیمه، بازار سرمایه و صندوقهای بازنشستگی وجود دارد و در عمل تعدد نظار، مشکل اعمال نظارت و هماهنگی میان نظار را بیشتر کرده است، بهتر بود مقایسه وضعیت نظارت کشور با کشورهای مورد بررسی در انتهای کتاب، توسط ناشر اضافه می شد.

دستآورد دیگری که از مجموعه مقالات می توان یافت، لزوم پیوند زدن تحلیل احتیاطی کلان با نظارت احتیاطی خرد است. این موضوع نیز با توجه به اینکه پیوند میان نظارت کلان و خرد در کشور ما نیز دچار اشکالاتی است می توانست در یک مجموعه نتیجه گیری در پایان کتاب، و یا حداقل به شکل تهیه یک خلاصه مدیریتی تنظیم می شد تا سیاستگذاران کشور در سطح کلان نیز به مشکلات موجود در این زمینه واقف شده و در سیاستگذاری های خود از چشم انداز مربوطه استفاده می کردند.

نقد و ارزیابی کتاب نظارت مالی در قرن بیست و یکم ۲۵

کلرمن ای جیوان و همکاران، ترجمه اصلاان قودجانی (۱۳۹۷). نظارت مالی در قرن بیست و یکم، معاونت امور اقتصادی - وزارت امور اقتصاد و دارایی، چاپ اول، تهران: پیک نور.

